



بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع بحث: تاجر و تجارت

نگاهی اجمالی به سوره قریش

(لِإِيلَافِ قُرَيْشٍ / إِيْلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ / فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ
هَذَا الْبَيْتِ / الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ)

مکه شاهراه تجارت جهانی :

یک سوالی مطرح است که آیا شهر مکه شهر تجارت بوده است یا نه؟ و اگر این شهر قبل از بعث شهر تجاری بوده مقیاس آن در قبل از بعث به چه مقداری بوده است؟

دو نظریه وجود دارد:

نظریه اول بر تأیید تجاری بودن مکه دلالت دارد اینکه یک شاهراه تجاری از شرق به غرب و شمال و جنوب بوده است در مقیاسی جهانی، هم غربی‌ها این را گفتن هم عربها.

نظریه دوم که نظریه اقلیت است به نام شکاکان این نظر را که مکه شهر تجاری بوده نپذیرفتن و پیدایش اسلام از مکه نبوده. در بین مستشرقین غربی شخصی به نام وات قائل به امپراتوری تجاری بوده، شهر مکه از هند تا مدیترانه تجارت داشته و این تجارت دست سران قریش بوده. در نظریه اقلیت پاتریشیا کرون با کتاب تجارت مکی و ظهور اسلام این مسئله را قائل نیست.

ویکتور موسی صاحب نویسنده مسیحی لبنانی است که در پایان نامه اش (**إِيْلَافِ قُرَيْشٍ، إِيْلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ**) درباره اینکه صد سال قبل از بعثت مکه شهری تجاری بوده و پیامبر هم شخص تاجری بوده نه کشاورز و دامدار.

نویسنده با بیان بافت جغرافیایی شهر مکه احتمال کشاورزی را محال دانسته و این تجارت در زمان بعثت به اوج خود رسید.

شخص دیگر به نام بندیکت کلور در کتابش آورده است اگر می خواهیم ریشه سرمایه‌داری را در مکه بیابیم باید در تجارت مکه و ظهور اسلام جست و جو کنیم. نویسنده در سال

۲۰۱۴ در کتاب صدر اسلام می آورد که اقتصادان عرب محمد

(ص) بوده است. بعد این شخص ادعا کرده اولین تجربه

سرمایه‌داری در مکه رخ داده بعد وارد ایتالیا و... در جای دیگر ذکر می‌کند که ۲۵۰۰ نفر شتر ظرفیت تجارت آن زمان در مکه بوده است.

جاهلیت اقتصادی...

یک حرف بسیار مهمی وجود دارد اینکه مکه شهر تجاری در مقیاسی جهانی بوده و پیامبر اکرم هم تا زمان بعثت تجارت می‌کردند آیا خدا نمی‌خواهد بگوید که جاهلیت زمان بعثت جاهلیت اقتصادی تجاری بود، باید شخصی تاجر در آن شهر تجارت بعثت کند و مردم آن زمان ظرفیتی داشتند که پیامبر حرف اقتصادی بزند تا ظهور صاحب الزمان این حرف‌های تجاری در مقیاس جهانی راهگشا باشد.

معلوم می‌شود که مستشرقین غربی دست گذاشته‌اند بر یک برحه زمانی و تاریخ را برای ما تحریف می‌کنند، روایاتی را شاخص می‌کنند که بوی سکولاریسم می‌دهد که بوی تجارت و اقتصاد نمی‌دهد.

شما در مجمع البیان تفسیر سوره قریش را بخوانید **لِإِيْلَافٍ**

قُرَيْشٍ إِيْلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشَّتَاءِ وَالصَّيْفِ بعد از این دو آیه می

فرماید **فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ. ۳**

بعثت نبی و ظهور کاپیتالیسم:

پیامبر اکرم (ص) در قرن هفتم میلادی بعثت کردند و کاپیتالیسم و سرمایه‌داری در قرن هفدهم و هجدهم ظهور کرد ابتدا در باب تجارت، دوم صنعت و سوم در امورات مالی خود را بنا کرد.

شما وقتی می‌روید احکام الهی که پیامبر اکرم در مدینه منوره را بررسی می‌کنید می‌بینید ایشان یک نظام اقتصادی را برپا کردند که از بروز کاپیتالیسم و سرمایه‌داری جلوگیری کند. دقیقا ده یا یازده قرن قبل نظام سرمایه‌داری که اروپایی‌ها رقم زدند یک شبه سرمایه‌داری در مکه پیش آمده بود. اگر ما به احکامی که پیامبر اکرم گفتند را اجرا کنیم به راحتی می‌توانیم از این نظام اقتصادی که برای ما مطرح می‌کنند عبور کنیم و شما می‌بینید که مقام معظم رهبری به عنوان یک مرجع دینی پیرو پیامبر اکرم سیزده سال شعار اقتصادی اش اقتصادی بوده است.

مرحله تجمیع قریش:

دو قرن قبل از بعثت شخصی به نام قصى ابن کلاب شروع به

تجميع قبایل قریش می کند، قبيله های مهم و ریشه دار را در داخل شهر می آورد و بازارچه های تجاری را تأسیس می کند و یک ساختاری به تجارت مکه می دهد. قصی آنقدر به امنیت این بازارچه ها اهمیت می داده است که نام آنها را حرم می گذارد و قوانینی را بین قبایل می گذارند که کشتن در حرم ممنوع است، تجارت مکه در این مرحله تجارتي فردي است هر شخصی به تنهای تجارت می کند.

مرحله ایلاف:

اقدام نخست:

در قرن بعدی، ابتدا قرن ششم هاشم بن عبدمناف از اجداد پیامبر اکرم سر و سامانی به ریل گذاری قصی می دهد و تأسیس ایلاف می کند (**لِإِيْلَافٍ قُرَيْشٍ**) ایلاف به معنی اتلافی بین این بازارچه ها برگذار می کند یک سری پیمان نامه ها و قرارداد های کلان و تجارت های کلان را برقرار کردند ایشان با استفاده از موقعیت مکه که در کنار دریای سرخ بود و جنگ های ایران و روم هم باعث نا امنی مسیر ها شده بود تجارت ایلافی مکه را گسترده کرد و تجارت مکه را از مرحله فردي به مرحله

جمعی و تشکیلاتی رساند و باعث ثروتمند شدن شیوخ قریش شد.

دومین کار ایشان تأسیس دارالندوه ی را در مرکز شهر بود که شیوخ دور هم جمع می شدند تا برای تجارت های کلان مکه برنامه ریزی کنند، یکی از شروطشان این بود که شخص باید بالای چهل سال داشته باشد و یک سری پارامتر های خاص که اشخاص می توانستند در این مرکز باهم جمع شوند.

سومین کار ایشان دیپلماسی اقتصادی بود، این تجارت رو به گسترش مکه را در مقیاس جهانی برنامه ریزی می کنند و تیم های اقتصادی خود را به شهر های دیگر که در امپراتوری ها بودند می فرستند، امپراتوری ها به خاطر اینکه ساختاری جداگانه داشتند به راحتی اجازه ورود این کاروان های تجاری را نمی دادند و با رفتن تیم دیپلماسی آنها را ترقیب به تجارت می کردند اینطور شد که تجارت جهانی مکه شروع شد **إِيْلًا فِيْهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ** چه در تابستان و چه در زمستان تجارت ادامه داشته است.

در آیه بعد می فرمایند که **فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ** تین فاء فای نتیجه است بر اساس این اقتصاد از این جایگاه مکه هم استفاده می شد.

معایب اقتصاد آزاد:

ایراد اول به این اعراب قبل تا بعثت وارد است که آنقدر اقتصاد آنها گسترده شد که فرهنگ، دین، رسوم و ارتباطاتشان را ذیل بازار آوردند. این کاری را که هاشم انجام داد باعث تحریکات سرمایه داری شد.

هاشم سه برادر هم داشت به نام های نوف، عبدشمس و مطلب، ایشان راه تجاری که کاروان های تجاری مکه می رفتند را داد به برادر خودش، نوف راه مکه به عراق را گرفت، عبدشمس راه مکه به حبشه و مطلب هم راه مکه به یمن را گرفت، که در **رِحْلَةَ الشَّتَاءِ وَالصَّيْفِ** مشغول تجارت بودند در زمستان مسیر یمن، حبشه و عراق را می رفتند و در تابستان مسیر شام را.

این کاروان ها در بازار های که در حبشه و یمن و عراق و شام می رفتند کالاهای را می فروختند در همین چین کالاهای که از دیگر امپراتوری ها می آمد مانند ایران، روم، هند، چین و مصر را تهیه می کردند و به مکه می آوردند.

مردم مکه و قبیله قریش به فرمایش امام صادق بر دین ابراهیم خلیل الرحمن بودند، مرام و روابطی داشتند و فرهنگی

برای خودشان داشتند اما این تجارت ها و خرید و فروش کالاها باعث این شد که بر اداب و روابط خودشان تاثیر بگذارد و یک شکاف طبقاتی در قریش پیش آمد.

ایراد دومی که به تجارت قریش وارد بود عدم وجود حکومت مرکزی و یک بازار بسیار آزادی بود. در این بازار آزاد یک لیبرال اقتصادی رخ داد که توسط اشراف قریش شکل گرفت. اشراف اولین طبقه اجتماعی بودند که سرمایه اولیه تجارت را داشتند و به یک نوع مشترک المنافع بودند. دومین طبقه احرار بودند، طبقه سوم موالی بودند که یک روز عبد بودند و یک روز هم عبد و در آخر هم، بعد هم طبقه بردگان.

دوران فئودالیتته:

در دوران بَشَر یک دوره ای وجود دارد به نام فئودالیتته کار با زمین است، در کار با زمین اول تولید است بعد توزیع است و بعد سود یا ضرر است در دوره فئودالیتته ای که جهان مشغول آن بود در مکه این نظم بهم ریخته بود و بر عکس آن انجام می شد، زمین مکه کوهسار بود و قابلیت تولید نداشت در مکه اول سود بود بعد توزیع و در آخر خدمات در نظام اقتصادی

مکه کسی که می خواست کار اقتصادی داشته باشد اول باید سرمایه می داشت اگر این سرمایه را نداشت باید از اشراف قرض می گرفت.

چگونگی ایجاد برده داری در تجارت قریش:

حال این پولی که می گرفت را کی باید بر می گرداند و چقدر می داد و... هیچ چیز معلوم نبود در دوره ای که کار روی زمین نیست کار را اعراب با پول شروع کردند، در آن دوران دیگر نقاط جهان با سیستم کالا پول بود اما در مکه سیستم پول کالا پول بوده حال اگر پول می گرفتی و نمی توانستی پرداخت کنی برده ات می کردند، همسرت را به کنیزی می بردند و یک جاهلیتی در این وسط رخ می دهد، برای این نظام لیبرال پیامبر اکرم مبعوث شده است. لطفا دین را در این بستر لیبرال قبل بعثت ببینید.



زایشگاه رباء...

وقتی شروع کار با رأس المال است این بستر زایشگاه رباء است و این پول و سرمایه را هم یهودی‌ها تأمین می‌کردند، رباء خواری از ثمرات فرهنگ لیبرال هست ما در فقه دو گونه رباء داریم رباء کالا و رباء پول.

فرهنگ کالای دست سرمایه داران شده بود، موسیقی، شعر و ادب شده بود کالا دست ثروتمندان طرف فلان مقدار پول می‌داد تا برایش شعر بگویند، فرهنگ‌های مختلف را در مسیرهای تجاری خود جذب کرده بودند اما امپراطوری‌های دیگر مثل ایران، هند و روم اینگونه نبودند فرهنگ منحصر به فرد خود را داشتند، حکومت مرکزی قدرتمند و بدون فرهنگ لیبرالی چیزی که اعراب قرون هفت میلادی نداشتند.

حال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مبعوت شدند تا دین را از تصرف بازار در بیاورد، یک حکومت مرکزی را تأسیس کند تا نقش بازار و کالا و کسانی را که با هم معامله می‌کنند را مشخص کند.

نمونه ای از دیکتاتوری نظام سرمایه داری:

یک نمونه از سهم خواهی اشراف داستان تحریم شهر طائف بود، طائف بر خلاف مکه شهر حاصل خیزی بود اشراف مکه گفتند زمین هایتان را به ما بفروش یا اجاره بدهید تا غلات خودمان را تامین کنیم، مردم طائف گفتند خیر شهر خودمان است اولین کاری که اشراف قریش کردند تحریم شهر طائف بود این نشان دهنده دیکتاتوری نظام سرمایه داری است، وقتی مردم شهر طائف دیدند که راهشان به بازارها بسته می شود و شاه راه های تجاری در دست هاشم و برادرانش هست و حکومت مرکزی نیست که بروند و شکایتی بکنند کوتاه آمدند و زمین ها را در اختیار قریش قرار دادند.

تجارت های زنجیره ای:

تجارت در قرن هفتم اینطور نبوده که کاروانها از یک مبدأ به یک مقصد مشخص حرکت کنند، تجارت زنجیره ای بوده در بین این مبدأها و مقصدهای کاروانها کاروانسراها بوده و معامله های هم رخ می داده تا قبیله های که در مسیرها هستند امنیت مسیرها را تامین بکنند.

بازارهای ثابت:

این بازارهای که در مسیرهای رِحْلَةَ الشُّتَاءِ وَالصَّيْفِ بازارهای فصلی بودند در کنار این بازارها بازارهای ثابتی هم بودند مانند بازار عکاظ که پانزده سال بعد از حمله سپاه ابرهه بن صباح حبشی در شمال نجد و طائف نزدیک مکه تشکیل شد این بازار ثابت از هجده ذی القعدة تا اول ذی الحجة برقرار بود خود قریش امنیت این بازار را تامین می کرد و مالیات هم نمی گرفت یک چیز جالب اینکه ادبیات و شعر و شاعری هم از بازار تاثیر گرفته بود و کنگره های شعر در بازار صورت می گرفت.

بازار بعدی بازار ذوالمجاز بوده نزدیک بازار عکاظ در سمت راست موقف عرفه بوده این بازار هم از اول ذوالحجه تا روز ترویه بازار ثابتی بوده.

بازار دومةالجندل بازار ثابتی بوده همانجای که امیرالمؤمنین حکمیت را پذیرفت. اکثر جنگها هم کنار بازار بوده تا بتوانند سپاه را پشتیبانی بکنند به طور مثال جنگ خیبر و بدر در نزدیک بازار بوده.

بازار دومة الجندل در راه عراق و شام بوده در پانزده ربیع الاول
بوده اینجا در کنار اینکه بازاری برای کالاهای مصرفی بوده
کالاهای جنسی هم عرضه می شده.

بازار بعدی بازار دیر عیوب بوده حوالی شام اینجا اجناس رومی
زیاد می آوردند.

بازار بعدی بازار بصرا بوده، بازار عذرات بوده نزدیک صومعه
راحب که محصول اولش شراب ناب بوده بهترین شراب ها از
این منطقه تامین می شده.

جنگ ایران و روم هم در حوالی همین بازار عذرات بوده که
سوره روم هم به همین حوالی اشاره دارد غُلِبَتِ الرُّومُ.
در قسمت زمستان بازار مشغر بوده که جمادی اول بنی تمیم
این بازار را بر عهده داشته و ایرانیان کالاهای خودشان را در این
بازار می آوردند.

بازار صحار بازاری در عمان بوده که بیست روز راه بعد از بازار
مشغر بوده که پنج شب ماه رجب برگزار می شده.

بازار بعدی بازار دیاء بوده در خود عمان نزدیک دریا با اجناس هند و چین.

بازار بعدی بازار شحر بود بین عمان و عدن نزدیکی مرقد هود نبی (ع) از اول شعبان تا پانزدهم شعبان.
بازار بعدی بازار عدر بوده ده روز اول رمضان بازار ایران روم بوده.

بعد بازار صنعاء بوده نیمه ماه رمضان.

بعد بازار غزه بوده که ارتباط این بازار با آفریقا و مصر بوده که هزاران نفر شتر در این مسیر رفت و آمد می شده.
بعد بازار خیبر در مدینه بوده.

این زنجیره بازار هژمونی دیگری هم داشته کالاهای جنسی و شعر و شراب هم معامله می شده.

اعتبار قریش بعد از نابودی ابرهه:

شما می دانید وقتی در نماز بعد از حمد بخوانید سوره قریش را بخوانید باید قبلش سوره فیل را هم بخوانید به خاطر ارتباط

معانی که وجود دارد، ابرهه علاوه بر اینکه بازار صنعاء را داشته، قصد تصرف بازار مکه را هم می کند بعد از ناکامی که سپاه ابرهه گرفت قریش اعتبار خاصی گرفت.

بعد از دعوت پیامبر اکرم به سران قریش، سران گفتند امپراطوری های دیگر تاب نمی آورند که ما پیامبر جداگانه ای داشته باشیم که در این هنگام آیه ۵۷سوره قصص نازل شد

وَقَالُوا إِن تَتَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ تَخَطَّفُ مِنْ أَرْضِنَا أَوَلَمْ نُمْكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجَبَىٰ إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِّزْقًا مِنْ لَدُنَّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (برخی از اهل مکه) گفتند: اگر ما با تو طریق هدایت را (که اسلام است) پیروی کنیم ما را از سرزمین خود به زودی بربایند (و به دست ملت عرب که متفق بر علیه اسلامند از وطن آواره شویم). آیا ما (مکه را) بر ایشان حرمی امن قرار ندادیم که به این مکان (بی آب و گیاه) انواع نعمتها و ثمرات که ما روزیشان کردیم از هر طرف بیاورند؟ لیکن حقیقت این است که اکثر آنها نادانند.

تجارت و پیامبر (ص):

سوالی پیش می آید که آیا پیامبر می توانست اصل تجارت را

نادیده بگیرد و کاری به تجارت نداشته باشد؟

دوران مکه:

در اول که حضرت در مکه بودند تبلیغ و دعوت به دین می کردند پیامبر در بازار راه می رفتند نه اینکه بیایند و خرید و فروش کنند بلکه تبلیغ دین را در بازار می کردند.

بعد اشراف از این حرکات حضرت تعجب می کردند که چرا مانند دیگر اشراف نیست و میاید در بازار رفت و آمد می کند که آیه ۳۱ سوره زخرف نازل می شود **وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَى رَجُلٍ مِّنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ** باز گفتند: چرا این قرآن بر آن مرد بزرگ قریه مکه و طایف (ولید و حبیب یا عروة بن مسعود) نازل نشد؟

دوران مدینه: اقداماتی که رخ داد:

پیامبر اکرم در مدینه **اولین کاری** که کرد تشکیل حکومت مرکزی بود و بازار مدینه را کنار حکومت تشکیل داد و نسبت بازار و حکومت را تعیین کرد و تعادلی را ایجاد کرد که نه سوسیالیسم (انحصار بازار) رقم بخورد و نه لیبرالیسم. سومین کارش هم تأسیس نهادهای اقتصادی بود پیامبر اکرم در بحث تشکیل حکومت و غلبه دین بر بازار سه

کار کردند اول منعیات بود و منع های ایجاد کرد و گفتند این کارها نباید ایجاد بشود و تحدید کالاها کردند.

دومین کار تحدید مبعیات کرد.

سومین کار تحدید متبایعین کرد.

پیامبر آمد گفت هر چیزی کالا نیست و محدودیتی در کالاها ایجاد کرد وقتی محدودیت ایجاد می کرد احکام مربوط به آن کالا را هم می آورد.

پیامبر در مبعیات گفتند هر معامله و بیعی درست نیست و نوع معامله را مشخص کرد.

سومین کار هم حدگذاری و مشخص کردن طرفین معامله بود، شرایطی برای طرفین گذاشت.

در واقع نوع کالا، هم نوع معامله و هم طرفین قرار داد مشخص کرد.

حدگذاری کالا:

در حدگذاری کالاها مشخص کرد که وقتی چیزی تکلیف برگردن کسی بگذارد خرید و فروشش ممنوع است، دومین کاری که در بحث کالاها کرد خدمات بود شعر و شاعری و.. کار بعدی حدگذاری مقدسات بود مثل خرید و فروش قرآن و..

چهارمین حدگذاری حدگذاری نجسات بود خرید و فروش خون
و..

پیامبر اکرم در ده سالی که در مدینه بود شب و روز تشریح
احکام می کرد.

در بحث مبيعات آمدند بهترین نوع داد و ستد را بیان کرد حتی
صیغه خرید و فروش را گفت و الزامات حقوقی و تشریفات
حقوقی را آورد. در بحث دلالی که خرید و فروش کالای در چند
دست می چرخد و دلالی می کند و تولیدی نمی کند حذف این
نوع دلالی را کرد.

بیع های حرام:

بیع های را حرام کرد (ملامسه، منابذه، حصاه، مذابنه، محاقله،
مواضعه، جبل حبله، ملایقح، غربون، مخابر، مخاضره، مضامین
و...) که یعنی خرید و فروشی بود که کالا را به بالا می انداختن
و هر کس زودتر بگیرد کالا برای اوست یا کالا را می گذاشتن و
هر سنگ می انداختن که هر کس سنگش بخورد کالا برای
اوست یا کالا را روی درخت از باغدار می خریدند یا خرید و
فروش شتری که در شکم مادرش است و...

شروط متبایعین:

در بحث متبایعین، معامله گر ها هم مسائلی را فرمودند که باید شرایطی را داشته باشد مجنون و دیوانه نباشد عاقل باشد و... که در احکام و آیات بیان می شود.

نهادهای تبرعی...

کاری که پیامبر کرد فقط این بود که منعیات را بیان کند که این کار و آن کار را نکنید بلکه مضاربه، مساقات و مزارعه و... را آورد و اخلاق امانتداری را آوردند بر قرضمداری که ثواب آن خبر دارید وقف و خیریه و قرض الحسنه را آورد، نهاد های ودیعه را آورد، اقتصاد تبرعی را آورد، نهاد های مجانی را آورد، وقف را آورد، ماعون را آورد این اقصاد تبرعی باعث شد تا اقتصاد مبادله ای سالم بماند.

این نهاد های که آورده شد برای تقویت نظام اقتصاد مبادله ای و در مقابل آن منعیاتی بود که بیان فرموده بودند، به این نهاد های که برای کمک به تقویت اقتصاد مبادله ای آورده شده اند تبرعی گفته می شود و هزاران کاری که پیامبر برای کار اقتصادی انجام داد.

مردی تاجر که تا لحظه بعثت تجارت می کند در شهری
اقتصادی در مقیاس جهانی.

(نثار حضرت رسول اکرم(ص) و شهدای تروریستی حادثه
شاهچراغ دو صلوات بفرستید)